

هراکلیتوس، اخلاق و فضیلت

مجید ملایوسفی^۱، مریم صمدیه^۲

چکیده

هراکلیتوس از جمله فیلسوفان پیشاسقراطی مهمی است که در زمینه اخلاق پاره‌نوشته‌هایی از وی باقی مانده است. برای فهم دیدگاه‌های اخلاقی وی علاوه بر پاره‌نوشته‌های موجود، توجه به بستری که تفکر هراکلیتوس در آن شکل گرفته، ضرورت دارد. هراکلیتوس تحت تأثیر دو سنتی قرار داشت که در عصر وی جریان داشتند: سنت اول تحت تأثیر هومر، شعرا و حکمای اولیه‌ی چون سولون، بایاس و دیگران بود که ویژگی بارز آن اعتقاد به خدایان انسان‌وار بود. سنت دیگر، سنت علمی و فنی جدیدی بود که در همان قرن در میلتوس تحت تأثیر کسانی همچون طالس و آناکسیمندر شکل گرفته بود که دغدغه اصلی آن جهان‌شناسی، یعنی فهم چگونگی ایجاد، بقا و درنهایت فناء نظم جهانی بود. در واقع، فلسفه هراکلیتوس را میتوان پلی میان این دو سنت مختلف دانست. از آنجایی که هراکلیتوس، قانون جهانی و قانون انسانی (نظم جهانی و نظم انسانی) را یکی میدانست، میتوان گفت که موضوع و هدف واقعی وی نه جهان فیزیکی بلکه موقعیت و وضعیت انسان در آن بود. اخلاق هراکلیتوس همچون سایر فلاسفه یونان باستان گونه‌ی اخلاق فضیلت بود که

۱۰۳

۱. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول): mollayosefi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره): samadieh65@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶۲/۱۶



محور اصلی آن را فضیلت و سعادت شکل میداد. هراکلیتوس در حوزه فضایل، هم به فضایل اخلاقی و هم به فضایل عقلانی پرداخته است. وی درخصوص فضایل اخلاقی با تفکیک میان لذات جسمانی و غیرجسمانی، درنهایت افراط و تفریط را مردود شمرده و اعتدال و میانه‌روی در لذات را بعنوان ملاک رفتار انسان معرفی میکند. در زمینه فضایل عقلانی نیز بر فضیلت حکمت تکیه کرده و بر این باور است که حکمت، صرف زیاد دانستن نیست، بلکه حکمت، معرفت متأملانه و آگاهانه‌یی است که مطابق لوگوس باشد. در نتیجه، تأکید بیشتر وی بر فضایل عقلانی است تا فضایل اخلاقی. درنهایت نیز هراکلیتوس سعادت انسان را نتیجه شناخت و رفتار مطابق لوگوس میدانند.

کلیدواژه‌ها: هراکلیتوس، لوگوس، نفس، فلسفه باستان، اخلاق دوره باستان

* * *

مقدمه

هراکلیتوس متفکری پیشاسقراطی و از اهالی افسوس در آسیای صغیر بود که بااحتمال زیاد حدود سال پانصد قبل از میلاد میزیسته است. چنانکه از آثار مربوط به فیلسوفان یونان باستان برمی‌آید وی متفکری بزرگ بوده که تأثیر عمیقی بر فیلسوفان و متفکران بعد از خود داشته و منبع الهام برای متفکران بعدی از افلاطون تا هایدگر بوده است. اندیشمندی سنت‌ستیز که آراء فیلسوفان و بزرگان زمان خویش را مورد تمسخر قرار میداده و تنها به دریافت شخصی خود اعتماد میکرده است. دیوگنس لائرتیوس در کتاب *زندگی فیلسوفان بزرگ* چنین بیان میکند که ۱۰۴ هراکلیتوس از کودکی شخصیتی استثنایی داشته است. او در اوایل سنین جوانی چنین ادعا میکرده که هیچ نمیداند اما بعد از مدتی ادعای خویش را تغییر داده و مدعی شده که همه چیز میداند و عالم به تمام امور است. همچنین هراکلیتوس اظهاراتی در خصوص منبع علوم و دانسته‌های خویش بیان کرده است. وی اظهار داشته که دانسته‌های خود را از طریق دریافت شخصی بدست آورده و در این زمینه شاگرد کسی نبوده است. از همپنروست که به دریافت‌های شخصی خود اعتماد

